

## بررسی مشروعیت حضور نظامی ایران در مخاصمه مسلحانه سوریه در پرتو اصول حقوق بین‌الملل

شیوا علی محمدی\*

فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال هجدهم، شماره 2، پیاپی 70، تابستان 1396؛ صفحات 189-161

تاریخ دریافت: 1396/05/03 تاریخ پذیرش نهایی: 1396/05/30

### چکیده

دولت ایران در راستای کمک مستشاری به دولت سوریه در مبارزه با گروه‌های شبه‌نظامی مخالف و همچنین گروه‌های تندرو و به‌طور خاص داعش که تهدید جدی علیه امنیت بین‌الملل و امنیت ایران محسوب می‌شود، مداخلاتی در جنگ داخلی سوریه داشته و حتی در یک مورد اقدام به پرتاب موشک به مواضع داعش در خاک این کشور نموده که این مقاله به دنبال بررسی مشروعیت همین مداخلات است.

با وجود اصل ممنوعیت توسل به زور می‌توان مداخلات ایران در سوریه را بر دو مبنای کاملاً مطابق با قواعد حقوق بین‌الملل تلقی کرد که نخستین مورد آن، دعوت دولت قانونی این کشور از دولت ایران است؛ زیرا دولت اسد با توجه به این که دولت مشروع این کشور محسوب می‌شود از حق دعوت از کشورهای دیگر برای مداخله به نفع خود برخوردار است. دومین مسئله، استناد به دفاع مشروع جمعی و فردی در برابر بازیگران غیردولتی است که این امر نیز به دلیل عدم توانایی دولت سوریه در جلوگیری از اقدامات گروه‌های افراطی و به‌طور خاص داعش علیه امنیت کشورهای دیگر و همچنین ضرورت و تناسب در میزان عملیات نظامی ایران در کشور سوریه قابل توجیه است.

واژگان کلیدی

منع توسل به زور، بازیگران غیردولتی، دعوت دولت مشروع، دفاع مشروع، قطعنامه‌های شورای امنیت



دولت اسلامی (داعش) که تحت عنوان دولت اسلامی عراق، شام و دولت اسلامی عراق و سوریه شناخته می‌شود<sup>1</sup> گروهی تروریستی و شبه‌نظامی افراطی سستی از چندین ملیت است که با هدف ایجاد خلافت اسلامی تحت قوانین شریعت ایجاد شده است. در سال 2014، گروه تروریستی داعش<sup>2</sup> به سرعت کنترل خود را بر بخش‌های وسیعی از خاک عراق و سوریه گسترش داد. در دسامبر 2014، داعش شهر موصل را به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین شهرهای عراق تصرف و پایتخت حکومت خودخواهانه خود را شهر رقه در شرق سوریه اعلام کرد. اهداف توسعه-طلبانه داعش و کشتار نیروهای نظامی عراق، مخالفان سوری و غیرنظامیان به دلایل قومی و عقیدتی، این گروه تروریستی را به مهم‌ترین تهدید علیه ثبات منطقه طی مدت کوتاهی تبدیل کرد. داعش متکی بر منابع مالی عظیمی است که در نتیجه کنترل بر چاه‌ها و پالایشگاه‌های نفت در عراق و سوریه و غارت بانک‌ها در این دو کشور، قاچاق اشیای عتیقه، گروگان‌گیری و همچنین تأمین مالی از سوی برخی کشورهای منطقه نصیب این گروه کرده است. این گروه همچنین توانست موج عظیمی از جنگجویان را از سایر نقاط جهان جذب کند.

نخست‌وزیر عراق، نوری‌المالکی از ایالات متحده آمریکا درخواست کمک هوایی جهت سرکوب این گروه شورشی کرد. (Mitchell 2014) ایالات متحد آمریکا نیز ائتلافی از کشورهای متحد خود برای مبارزه با داعش تشکیل داد و شروع به بمباران اهداف داعش در عراق از آگوست 2014 کرد.

از سپتامبر 2014، عملیات نظامی ائتلاف به قلمروی سوریه با این ادعا که در این کشور بهشت امن را در اختیار داعش قرار داده است و همچنین مکانی برای

1. the Islamic State of Iraq and Levant (ISIL)

2. برای مطالعه تفصیلی درباره زمینه‌های اصلی ظهور داعش رجوع کنید به مقاله روزنامه «گاردین» با عنوان «درک ظهور داعش»:

<https://www.theguardian.com/world/shortcuts/2014/sep/21/islamic-state-isis-isis-daesh>



سازماندهی عملیات این گروه محسوب می شود، توسعه یافت. این حملات توسط ایالات متحده آمریکا و هم‌پیمانانش برای تخفیف و در نهایت نابودی داعش به‌عنوان یک تهدید جهانی ضروری تلقی می‌شد. (Sherwood2014) از این رو، از 22 سپتامبر 2014، ایالات متحده آمریکا، بحرین، قطر، عربستان سعودی و امارات متحده عربی بمباران هوایی خود را علیه بیست هدف نظامی در این کشور آغاز نمود. (Fox News2014)

علاوه بر مداخله ائتلاف بین‌المللی علیه داعش، روسیه و ایران نیز در حمایت از دولت اسد در جریان مخاصمه مسلحانه این کشور دست به اقدامات نظامی زدند. به دنبال این اتفاق، مداخله روسیه در جنگ داخلی سوریه در 30 سپتامبر 2015 شروع شد که شامل حمله هوایی روسیه علیه داعش و دیگر دشمنان دولت سوریه است. برخلاف روسیه، ایران مداخله نظامی مستقیمی در جنگ داخلی سوریه نداشته و دخالت ایران در این جنگ محدود به کمک مستشاری و کمک به سازماندهی ارتش سوریه برای مقابله با داعش و سایر گروه‌های شبه‌نظامی است. آنچه دخالت روسیه و ایران را در مخاصمه اخیر در سوریه از دخالت سایر کشورها متمایز می‌سازد، دعوت دولت اسد از این دو کشور است.

حضور نظامی ایران در سوریه این پرسش را ایجاد می‌کند که آیا اقدام نظامی ایران در سوریه علیه داعش و سایر گروه‌های شبه‌نظامی در حمایت از دولت ملی این کشور، دخالت مشروع نظامی در مخاصمه مسلحانه سوریه محسوب می‌شود؟ هدف این مقاله، شناخت استثنائات ممنوعیت استفاده از زور علیه تمامیت ارضی کشورهای مذکور در منشور سازمان ملل متحد است که می‌تواند در تحلیل مداخلات ایران در سوریه قابلیت اعمال داشته باشد. در واقع این مقاله، این هدف را دنبال می‌کند که از منظر حقوق بین‌الملل موجود در زمینه مداخلات نظامی در جنگ‌های داخلی کشورهای دیگر، حضور نظامی ایران در سوریه را تجزیه و تحلیل کند.



## 1. ممنوعیت توسل به زور

در زمان حاضر، اصل ممنوعیت توسل به زور در زمره قواعد حقوق معاهدات و حقوق عرفی قرار دارد. پیمان همگانی برای خوداری از جنگ که به‌عنوان بازار سیاست ملی 1928 تحت عنوان پیمان بریان کلوگ<sup>1</sup> شناخته می‌شود، نخستین تلاش‌ها برای ممنوعیت جنگ به‌طور کامل بود که در حال حاضر نیز لازم‌الاجرا است. به موجب این معاهده، توسل به جنگ جز در مورد دفاع مشروع به‌عنوان یک حق مستقل ممنوع اعلام شد. (Dixon 2013)

با این حال از آنجایی که این ممنوعیت بر جنگ و نه استفاده از زور اعمال می‌شد، این پیمان از جامعیت کامل برخوردار نبود و در نتیجه، اقدامات قهری مانند درگیری‌هایی با شدت پایین مورد توجه تدوین‌کنندگان این پیمان قرار نگرفت؛ اما این نقیصه در منشور سازمان ملل متحد جبران گردید.

یکی از اهداف اصلی این منشور، «متوقف ساختن هر گونه عمل تجاوز و سایر کارهای ناقض صلح» است.<sup>2</sup> این هدف که در ماده 2(4) منشور سازمان ملل متحد با صراحت بیشتری بیان شده است، مقرر می‌کند که «کلیه اعضا در روابط بین‌المللی خود از تهدید به زور یا استفاده از آن علیه تمامیت ارضی و استقلال سیاسی هر کشوری یا روش‌های دیگری که با مقاصد ملل متحد مابینت داشته باشد، خودداری خواهند کرد».

این ممنوعیت کلی در زمینه استفاده از زور در روابط بین دولتها شامل هر گونه تهدید یا استفاده از زور می‌شود، زیرا ماده مذکور از به‌کارگیری عبارت «جنگ» خوداری کرده است و به همین دلیل شامل اقدامات قهرآمیز حتی با شدت کم نیز می‌شود.<sup>3</sup> بعدها قطعنامه اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل و روابط دوستانه بین دولتها

1. Kellog-Briand Pact

2. ماده 1 منشور سازمان ملل متحد.

3. این امر در پیمان بریان - گلوک در جایی به‌طور ویژه ایجاد مشکل می‌کرد که دولت‌های خود را در پشت این ادعا که رفتار آنها به‌صورت قانونی معادل جنگ محسوب نمی‌شود، مخفی می‌کردند:

در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ممنوعیت استفاده از زور را به استفاده از زور فیزیکی و تجاوز محدود کرد. از این رو ممنوعیت استفاده از زور شامل برخی دیگر از اقسام رفتارهای مضر مانند تجاوز اقتصادی نمی شود<sup>1</sup>. علاوه بر این، ممنوعیت استفاده از زور مذکور در ماده 2(4) منشور سازمان ملل متحد به موازات منشور به- عنوان یک قاعده عرفی بین المللی شناخته شده است. این قاعده، وضعیت قاعده آمره<sup>2</sup> را نیز به دست آورده و به یک هنجار الزام آور در حقوق بین الملل تبدیل شده که اجازه هیچ گونه تخطی از آن داده نشده است<sup>3</sup>. بنابراین کلیه دولت ها در وهله نخست از هر گونه استفاده از زور علیه کشورهای دیگر ممنوعیت دارند.

هر چند مداخله نظامی ایران در سوریه در قالب حمایت مستشاری و سازمان- دهی عملیات های نظامی علیه گروه های شبه نظامی درگیر نوعی استفاده از نیروهای نظامی در قلمرو کشور دیگر محسوب می شود، این مداخله را می توان بر مبنای استثنائات شناخته شده بر قاعده منع استفاده از زور توجیه نمود. در حال حاضر، سه استثنای جهان شمول و شناخته شده در این زمینه وجود دارد: در صورت صدور مجوز توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد بر مبنای ماده 42 منشور سازمان ملل متحد<sup>4</sup>، دفاع از خود (دفاع مشروع) و رضایت دولت سرزمینی که عملیات در آن انجام می شود.

از این رو هر یک از استثنائات فوق در راستای توجیه مداخلات نظامی ایران

1. ماده 29 قطعنامه 3314، تعریف تجاوز مجمع عمومی سازمان ملل متحد.

2. jus cogens

3. ماده 53 کنوانسیون وین در زمینه حقوق معاهدات 1969 و رأی شماره 15، پاراگراف 188، دیوان بین المللی دادگستری در دعوی نیکاراگوئه علیه آمریکا در موضوع فعالیت های نظامی و شبه نظامی علیه نیکاراگوئه (1986).

4. ماده 42 منشور سازمان ملل متحد مقرر داشته است: «در صورتی که شورای امنیت تشخیص دهد که اقدامات پیش بینی شده در ماده 41 کافی نخواهد بود یا ثابت شده باشد که کافی نیست، می تواند به وسیله نیروهای هوایی - دریایی یا زمینی به اقدامی که برای حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین المللی ضروری است، مبادرت کند. این اقدام ممکن است مشتمل بر تظاهرات و محاصره و سایر عملیات نیروهای هوایی- دریایی یا زمینی اعضای ملل متحد باشد.» مداخله ناتو در لیبی در سال 2011 را می- توان در این دسته بندی قرار داد؛ زیرا مجوز این دخالت نظامی توسط قطعنامه شورای امنیت 1973 (2011) سازمان ملل متحد صادر شده است.

در سوریه مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

## 2. قطعنامه‌های شورای امنیت در خصوص جنگ داخلی سوریه

با تصویب منشور ملل متحد و مسجل شدن اصل منع توسل به زور به‌عنوان یکی از قواعد آمره حقوق بین‌الملل و یکی از بنیادی‌ترین اصول حقوقی ناظر بر روابط بین‌المللی، عدم مداخله، احترام به حاکمیت و برابری دولت‌ها به منزله ارکان حقوقی نظم بین‌الملل به رسمیت شناخته شدند. سیستم امنیت دسته جمعی براساس فصل هفتم منشور، مهم‌ترین اسناد بر ممنوعیت توسل به زور است و دولت‌ها در عملیات‌های خود می‌توانند به آن استناد کنند. (نوروزی، 1393:290)

شورای امنیت در خصوص وضعیت جنگ داخلی سوریه چندین قطعنامه صادر کرده است. در 30 می 2013، دولت اسلامی عراق و شام (داعش) و جبهه النصره، گروه‌های تروریستی تحت قطعنامه شماره 1267 (1999) نام‌گذاری شدند. شورای امنیت دو قطعنامه یعنی قطعنامه 2170 (15 آگوست 2014) و قطعنامه 2178 (24 سپتامبر 2014) را تحت فصل هفتم منشور تصویب کرده که به موجب آن، گروه‌های تروریستی مانند داعش جبهه النصره و سایر سازمان‌های مرتبط با القاعده، خطری علیه صلح و امنیت جهانی شناسایی شده‌اند. همچنین اعمال تروریستی ارتکاب توسط این گروه‌ها محکوم و از همه کشورها خواسته شده اقداماتی برای توقف ورود موج جنگجویان خارجی علیه منابع مالی تروریست‌ها و مقابله با تحریک به عملیات تروریستی انجام دهند.

قطعنامه دوم به‌طور خاص، تعهدات دولت‌ها را در زمینه تهدیدات ناشی از جنگجویان خارجی توسعه داد. در 12 فوریه 2015، شورای امنیت سازمان ملل، قطعنامه 2199 (2015) را تصویب نمود که برخی منابع مالی داعش و جبهه النصره، برای مثال صادرات غیرقانونی نفت، قاچاق اموال فرهنگی، اخاذی و کمک‌های خارجی را هدف قرار داد.



از بررسی قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد در خصوص جنگ داخلی سوریه، این نتیجه به دست می‌آید که با توجه به این که شورای امنیت درباره جنگ داخلی سوریه مجوزی برای عملیات نظامی صادر نکرده است، برای مداخلات نظامی در سوریه نمی‌توان به مجوز شورای امنیت سازمان ملل متحد استناد کرد.

### 3. مداخله با دعوت کشور درگیر

به موجب مقررات حقوق بین‌الملل عرفی، مداخله دولت ثالث به شکل مداخله نظامی در درگیری‌های مسلحانه داخلی کشور در صورتی مشروعیت دارد که با دعوت دولت قانونی صورت گیرد. این قاعده عام در قطعنامه شماره 3314 (ماده 29) مجمع عمومی سازمان ملل متحده<sup>1</sup> و متعاقباً در پیش‌نویس طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل در زمینه مسئولیت دولت‌های پذیرفته شده و مقرر داشته است: «رضایت معتبر یک کشور به ارتکاب عملی معین توسط کشور دیگر، تا حدی که عمل در قلمروی محدودیت‌های آن رضایت باقی می‌ماند از متخلفانه بودن آن عمل در ارتباط با کشور نخستین ممانعت می‌کند.»

اعتبار این موضوع و رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوا<sup>2</sup> و جمهوری دموکراتیک کنگو مورد تأیید قرار گرفت.<sup>3</sup> از این رو مداخلات نظامی در امور داخلی یک دولت به تقاضای دولت قانونی به طور یقین یکی اصلی حقوق

1. قطعنامه شماره 3314 مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ماده 3 (ی) در تعریف تجاوز مقرر داشته که یکی از موارد تجاوز، «استفاده از نیروی مسلح واقع در کشور دیگر است که با توافق کشور پذیرنده در آن سرزمین حضور داشته باشند یا برخلاف شروط مقرر در آن موافقت‌نامه عمل کنند یا پس از خاتمه توافق به حضور خود در آن سرزمین ادامه دهند».

2. قضیه فعالیت‌های نظامی و شبه‌نظامی در نیکاراگوا و علیه آن کشور (1986).

3. رأی شماره 168 دیوان بین‌المللی دادگستری در خصوص فعالیت‌های نظامی در قلمرو کنگو (دعوی جمهوری دموکراتیک کنگو علیه اوگاندا (2005)، دیوان بدون هر گونه بحثی پذیرفت که یک دولت می‌تواند به دخالت نیروهای نظامی بیگانه در داخل قلمروی خود رضایت دهد. در این دعوا، دیوان بیشتر متمرکز بر این قضیه شد که آیا کنگو به حضور سربازان اوگاندا در قلمرو خود رضایت داشته و آیا این رضایت بعدها مسترد نشده است.

بین‌الملل عرفی محسوب می‌شود. با این وجود، دخالت نظامی در کشور دیگر با تکیه بر دعوت دولتی غیرقانونی خلاف اصل ممنوعیت توسل به زور است؛ زیرا عدم مشروعیت دولت مستقر، حقی را برای نمایندگی آن کشور برای آن دولت ایجاد نمی‌کند و در نتیجه نمی‌تواند مجوز هر گونه مداخله نظامی در خاک خود را به دولت مداخله‌گر اعطا نماید (Khayre2014)؛ همان‌طور که دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوا این گونه است.

بر اساس مباحث فوق دولت اسد، دولت قانونی دوفاکتور سوریه است، زیرا این دولت که کنترل مؤثری بر قلمروی سوریه به‌عنوان مرکز اداری این کشور (دمشق) دارد، کارکردهای یک دولت را اعمال می‌نماید و هیچ گروه مخالف دیگری نیز وجود نداشته که در قلمروی این کشور دولت محسوب شود؛ به‌ویژه این که دولت اسد همچنان نماینده این کشور در سازمان ملل متحد به‌شمار می‌آید که این خود دلیل قاطعی بر نمایندگی سوریه در سازمان ملل متحد توسط این دولت است. همچنین دولت این کشور در سال 2012 به معاهده سلاح‌های شیمیایی سازمان ملل متحد ملحق شد. (Hindu2014) بنابراین بحث دیگر این است که آیا رضایت دولت سوریه به دخالت نظامی ایران در قالب کمک مستشاری با لحاظ مقررات بین‌المللی معتبر است؟

### 3-1. شرایط دولت قانونی

بر مبنای تئوری سنتی کنترل مؤثر، مشروعیت دولت و امکان درخواست از دولت-های بیگانه جهت مداخله بر مشروعیت خواستگاه دولت مستقر متکی نیست؛ بلکه باید به‌طور واقعی قدرت را در اختیار گرفت و کنترل کاملی بر کشور داشت<sup>1</sup>.

1. در دعوی Dreyfus در سال 1901 این گونه استدلال شده که بر طبق اصول حقوق بین‌الملل... در حال حاضر به‌طور عام‌الشمولی پذیرفته شده که صلاحیت دولت برای نمایندگی کشور خود در روابط بین‌الملل در هیچ اندازه‌ای به مشروعیت خواستگاه آن بستگی ندارد. در نتیجه، کسی که با زور بر کشور مسلط شده است و به‌طور واقعی قدرت را با رضایت ضمنی یا صریح ملت عمل می‌کند... نماینده قانونی دولت محسوب می‌شود



در این نظریه، این فرض وجود دارد که وقتی دولتی کنترل مؤثری را بر قلمرو و مردم کشور خود اعمال می‌کند، حق انحصاری بیان اراده یک ملت را دارد؛ حتی اگر این کنترل با رضایت صریح یا ضمنی ملت صورت گیرد<sup>1</sup> دولتی که قدرت را با ابزارهایی خلاف آنچه در قانون اساسی مقرر شده مانند استفاده از زور تصاحب کند، دولت بافعل (دو فاکتو) است. هنگامی که چنین دولتی کنترل خود را از دست دهد، هر چند به‌طور واقعی سرنگون نشده باشد صلاحیت خود را برای بیان اراده ملی نیز از دست می‌دهد (George 1986)

شناسایی دولت بر مبنای تئوری کنترل مؤثر به‌عنوان دیدگاهی که تا اندازه زیادی از اهمیت برخوردار نبوده است، تلقی می‌شود. این امر را می‌توان در دعوای *Cuculla* در سال 1868 مشاهده کرد (Cuculla 1868:23) که در ارتباط با شورش نظامی در مکزیک رخ داد و توسط زولوگا<sup>1</sup> رهبری شد. این شورش منجر به تصرف پایتخت و فرار رئیس‌جمهوری قانونی این کشور شد. (Doswald 1986:192) اغلب دولت‌های اروپایی و نماینده آمریکا، دولت زولوگا را به رسمیت شناختند. با این وجود، رئیس‌جمهوری قانونی، کنترل خود را بر بقیه کشور همچنان حفظ کرد و پس از آن توانست بار دیگر پایتخت را بازپس گیرد. دیوان رأی داد که رژیم زولوگا، صرف نظر از شناسایی توسط برخی دولت‌ها به موجب قوانین بین‌الملل دولت محسوب نمی‌شود، زیرا شناسایی بر مبنای حقایقی که از قبل وجود داشته، صورت گرفته است؛ اما این شناسایی نمی‌تواند حقیقتی را ایجاد نماید.

شناسایی دولت و کنترل بالفعل رأی داوری *Tinoco Concession* در سال 1923 بار دیگر مورد ملاحظه قرار گرفت. در این دعوا بیان شد که وقتی شناسایی با ملاحظه عدم مشروعیت دولت یا فقدان قانونمندی منشأ دولت اعطا گردد، عدم شناسایی این دولت نمی‌تواند چیزی از حقیقت وجودی دولت

بکاهد... و در برابر وجود بالفعل دولت وزنی داشته باشد. از این رو نمی‌توان دولت را صرفاً به این دلیل که تشکیل و بقای آن بر مبنای قانون اساسی دمکراتیک نبوده است، دولت مشروعی محسوب نکرد بنابراین پرسشی که برای احراز وجودی دولت باید پرسیده شود این است که آیا دولتی که می‌تواند کنترل خود را اعمال کند و تکالیف خود را به‌عنوان یک دولت انجام دهد، در درون قلمروی خود نیز مورد احترام قرار می‌گیرد، بدون آنکه نیروی مخالفی در قلمرویش به‌عنوان دولت عمل نماید.

اگرچه وضعیت شناسایی به تنهایی نمی‌تواند وضعیت دولت بودن را نفی کند، این شناسایی دلیل بر این مدعا است که دولت مورد بحث از منظر جامعه جهانی به استقلال و کنترل لازم بر کشور دست یافته است و بر اساس مقررات حقوق بین‌الملل استحقاق عنوان دولت بودن را دارد. پذیرش عضویت دولت در سازمان ملل متحد تحول مهمی در زمینه شناسایی دولت محسوب می‌شود.<sup>1</sup> این عضویت، مشروعیتی به این رژیم می‌دهد که شناسایی فردی آن، چنین قابلیت را ندارد. همچنین هنگامی که رژیم مورد شناسایی قرار می‌گیرد و به عضویت سازمان ملل متحد پذیرفته می‌شود، این شناسایی حتی هنگامی که دولت کنترل خود را بر بخش قابل توجه‌ای از کشور از دست بدهد، به‌ندرت مسترد خواهد شد. (Wippman 1996) کنترل یک رژیم بر پایتخت یک کشور نیز معیار مهمی برای احراز دولت بودن آن رژیم سیاسی است؛ زیرا لازمه کنترل مؤثر بر قلمروی یک کشور، برخورداری از سازکارها و نهادهای اداری یک کشور است که تسلط بر پایتخت این شرط را فراهم می‌آورد. (Talmon 2013)

در اینجا لازم است اشاره شود که از زمان خاتمه جنگ سرد، بحث‌هایی در خصوص شناسایی دولت به‌طور قابل توجهی حول و حوش معیار دمکراتیک بودن دولت و اینکه آیا دولت به‌طور منصفانه و آزادانه انتخاب شده، صورت

1. شهر واتیکان در این زمینه استثنا محسوب می‌شود.

گرفته است. این رویکرد مشروعیت دموکراتیک نسبت به دولت که در حال حاضر محبوبیت قابل توجهی یافته، هنوز مورد مناقشه است. لیکن در سال‌های اخیر، مداخلات نظامی با رضایت دولت قانونی در تبعید که کنترل مؤثری بر قلمروی خود را اعمال نمی‌کند، معتبر شناخته شده است. در این مورد می‌توان به تقاضای الحسن اوتارا که در انتخابات 2010 ساحل عاج پیروز شد از جامعه اقتضای دولت‌های غرب آفریقا برای مداخله و سرنگونی رئیس‌جمهوری غیرقانونی، لوران کودو باگبو اشاره نمود. اوتارا در یادداشتی از شورای امنیت، تقاضای مجوزی برای انجام عملیات و مأموریت نیروهای حافظ صلح در راستای حمایت از غیرنظامیان مطرح کرد. نیروهای سازمان ملل متحد و فرانسه متعاقباً به اردوگاه باگبو حمله نمود و باگبو تسلیم شد. با این وجود، رویکرد مشروعیت حاکم‌نهاد در مورد کودتای نظامی اعمال شد و دولت مشروع به روش غیردموکراتیک سرنگون و انتخابات با نظارت سازمان ملل برگزار شد. بنابراین این رویکرد با توجه به اعتراضات اجتماعی گسترده علیه دولت مورد پذیرش قرار نگرفته است. از این رو در جایی که دو گروه نظامی مخالف، ادعای نمایندگی دولت را دارند و یکی از این گروه‌ها از اقبال عمومی در مقایسه با دیگری برخوردار است، جامعه جهانی و نهادهای بین‌المللی احتمالاً مشروعیت حکومت را بر معیار کنترل مؤثر ترجیح می‌دهند. درباره سوریه، معیار لازم برای تعیین دولت مشروع، معیار کنترل مؤثر است، زیرا هر یک از گروه‌ها و دولت سوریه ادعای نمایندگی مردم سوریه را دارند. (Fox2014)

### 3-2. معیار کنترل مؤثر در مخاصمه داخلی سوریه

مسئله مهم درباره وضعیت مخاصمه داخلی سوریه این است که آیا دولت اسد، کنترل مؤثری بر قلمرو و مردم این کشور اعمال کرده است و کارکردهای یک دولت را انجام می‌دهد؟ در حال حاضر، قلمروی سوریه بین حکومت اسد که بیشتر کنترل



بخش غربی و جنوبی سوریه را با نیروهای کرد، داعش و سایر نیروهای مخالف و گروه‌های شورشی که بیشتر کنترل شمال و بخش‌های شرقی سوریه را در دست دارند، تقسیم شده است. با وجود این که دولت سوریه کنترل خود را بر بخشی‌های مهمی از قلمروی سوریه از دست داده است، هنوز کنترل بخش‌های مؤثر این کشور از جمله پایتخت سوریه یعنی دمشق را در دست دارد. علاوه بر این، دولت اسد همچنان کارکرد دولت مانند نمایندگی سوریه در سازمان ملل متحد و سازماندهی انتخابات دولتی را برعهده دارد. (telegraph2012)

### 3-3. لزوم رضایت معتبر

به منظور این که مداخله در جنگ داخلی از سوی کشورهای بیگانه مشروعیت بین‌المللی داشته باشد، لازم است رضایت معتبری از سوی دولت ملی آن کشور ابراز شود. رضایت به مداخله نظامی ممکن است به شیوه صریح یا ضمنی<sup>1</sup> بیان شود؛ (Liebllich2011:358) به این شرط که این رضایت بدون هیچ گونه ابهامی صادر شده باشد. (Ago1979) پیش از شروع عملیات‌های نظامی در خاک سوریه علیه داعش، دولت اسد اجازه هیچ‌گونه عملیات نظامی در داخل قلمرو خود صادر نکرده است. همچنین یکی از دولت‌های درگیر در عملیات نظامی علیه

1. یکی از نمونه‌های رضایت ضمنی به مداخله نیروهای نظامی خارجی را می‌توان در جنگ داخلی دوم کنگو یافت که در آن، اوگاندا در شرق کنگو با رضایت رئیس‌جمهور وقت، لوران کابیلا در سال‌های 1997-98 عملیات نظامی را سازماندهی نمود و هر دو طرف، این رضایت را که ابتدا به شکل مکتوب بیان نشده بود، تأیید کردند. با این وجود، در 27 آوریل 1998 دو کشور پروتکل مشترکی را در زمینه امنیت در مرزهای مشترک تصویب کردند. این پروتکل شامل موافقت‌نامه‌ای برای همکاری جهت تضمین امنیت و صلح در مرزهای مشترک این دو کشور بود. با این حال، کنگو بعدها تصریح کرد که این عبارات به معنای «دعوت یا پذیرش این امر نیست که هر یک از طرفین قرارداد نیروهای نظامی خود را به سایر قلمروها ارسال نمایند»؛ زیرا این پروتکل به‌طور صریح به چنین عملیاتی اشاره نکرده است. دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی صادره در این پرونده معتقد بود که فقدان هر گونه اعتراضی به حضور نیروهای نظامی اوگاندا در جمهوری کنگو و متعاقب آن امضای پروتکل را می‌توان به‌طور منطقی به‌عنوان بیان رضایت به ادامه حضور نیروهای نظامی کنگو تفسیر کرد. در هر صورت، دیوان بر این عقیده بود که مبنای این جواز توافق غیررسمی بین طرفین پیش از انعقاد پروتکل است. از این‌رو، مداخله نظامی اوگاندا در کنگو را می‌توان بر مبنای رضایت ضمنی این کشور تلقی کرد.

داعش در سوریه مجوزی از دولت این کشور برای انجام عملیات نظامی نخواسته‌اند<sup>1</sup>؛ حتی دولت سوریه صریحاً اعلام کرد که هر گونه مداخله‌ای باید با هماهنگی دولت سوریه انجام شود و در غیر این صورت، انجام عملیات، تجاوز محسوب می‌شود. (Guardian2014)

از مباحث فوق می‌توان نتیجه گرفت که عملیات نظامی ائتلاف علیه داعش و سایر کشورها در خاک سوریه را نمی‌توان بر مبنای قاعده رضایت دولت میزبان توجیه کرد. ایران در کمک‌های نظامی و حضور مستشاری خود در سوریه بر مبنای رضایت دولت این کشور عمل نموده است. از این رو اقدام ایران در سوریه بر مبنای قوانین بین‌المللی مشروعیت دارد. این مشروعیت همچنان نیز ادامه دارد، زیرا دولت این کشور تاکنون درخواست رسمی برای خروج نیروهای مستشاری ایران نداده است.

#### 4. مداخله نظامی در سوریه؛ حق دفاع علیه بازیگران جز دولت

در نامه به دبیر کل سازمان ملل متحد، بانکی مون<sup>2</sup>، سامانتا پاور<sup>3</sup>، سفیر آمریکا در سازمان ملل متحد، حملات نظامی خود علیه داعش را در خاک سوریه، بدون اجازه از دولت اسد یا مجوز شورای امنیت، بر مبنای «حق ذاتی دفاع مشروع

1. سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا اظهار داشت: «ما به دولت سوریه هشدار می‌دهیم که با هوایماهای نظامی آمریکا درگیر نشود... ما درخواست مجوز برای مداخله نظامی از این کشور را نداریم. ما عملیات‌های خود را با دولت سوریه هماهنگ نمی‌کنیم. ما هیچ گونه اطلاع‌رسانی از قبل به دولت سوریه در خصوص سطح عملیات نظامی انجام نمی‌دهیم یا هیچ گونه علامتی در خصوص زمان انجام عملیات بر روی هدف‌های خاص نخواهیم داد.»

با این وجود، قبل از انجام عملیات هوایی در درون قلمرو سوریه، سفیر آمریکا در سازمان ملل متحد، از قبل درباره احتمال حملات نظامی علیه داعش در این کشور اختطاری نسبت به دولت سوریه صادر نکرد؛ با این وجود، به‌شدت هر گونه همکاری نظامی را با ارتش این کشور رد کرد. با چنین اقدامی، دولت آمریکا هر گونه پیشنهادی از سوی سوریه را برای همکاری در مبارزه علیه داعش رد کرد. با این حال، هر گونه عملیاتی بدون رضایت این دولت به منزله حمله به سوریه محسوب می‌شود.

2. Ban Ki-moon.

3. Samantha Power.

فردی و جمعی»، همان‌طور که در ماده 51 منشور سازمان ملل متحد انعکاس یافته است، توجیه نمود. از این‌رو بحث در این قسمت به بررسی این امر اختصاص دارد که حق دفاع مشروع جمعی یا فردی می‌تواند توجیهی برای مداخلات نظامی در جنگ داخلی سوریه علیه داعش باشد. همچنین آیا مداخله نظامی ایران در قالب کمک مستشاری به دولت این کشور در برابر گروه‌های افراطی و سایر گروه‌ها را می‌توان بر مبنای دفاع مشروع نیز توجیه کرد؟ به این منظور، نخست درباره استثنای دفاع مشروع به‌طور کلی و سپس درباره قابلیت اعمال آن در توجیه مداخلات نظامی اخیر بحث می‌شود.

#### 1-4. استثنای دفاع مشروع

دفاع مشروع حقی بنیادین به موجب قوانین بین‌المللی است و به کلیه دولت‌ها این اجازه را می‌دهد که برای دفاع از خود در برابر حملات نظامی به زور متوسل شوند. البته این استثنا به این معنی نیست که توسل به زور، تجاوز علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی یک کشور محسوب نمی‌شود، بلکه دخالت نظامی در راستای دفاع مشروع، عمل تجاوز را توجیه می‌کند. حق دفاع مشروع که در ماده 51 منشور سازمان ملل متحد گنجانده شده، مقرر کرده است:

در صورت وقوع جنگ مسلحانه علیه یک عضو ملل متحد تا زمانی که شورای امنیت اقدام لازم برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به‌عمل آورد، هیچ یک از مقررات این منشور به حق ذاتی دفاع از خود - خواه فردی یا دسته‌جمعی - لطمه‌ای وارد نخواهند کرد. اعضا نیز باید اقداماتی را که در اعمال این حق دفاع از خود به‌عمل می‌آورند، فوراً به شورای امنیت گزارش دهند. این اقدامات به هیچ وجه در اختیار و مسئولیتی که شورای امنیت بر طبق این منشور دارد و به موجب آن برای حفظ و اعاده صلح و امنیت بین‌المللی و در هر زمان که ضروری تشخیص دهد اقدام لازم به‌عمل خواهد آورد، تأثیری نخواهد داشت.



ماده 51 توجیهی بر استفاده از زور در راستای دفاع مشروع در واکنش نسبت به حمله نظامی است و اعمال این حق در ماهیت خود هم به صورت جمعی و هم انفرادی مشروع است. با این وجود، اعمال این حق به هر شکل باید به شورای امنیت گزارش داده شود. این حق تا زمانی باقی است که «شورای امنیت اقدام لازمی جهت اعاده صلح و امنیت بین المللی انجام نداده باشد.»

اعلان دفاع مشروع به عنوان یک حق «ذاتی» به این معنی است که این حق دارای ماهیت عرفی است و از طرف دیگر، وجودی مستقل از منشور سازمان ملل متحد دارد. بنابراین مشابه قاعده منع توسل به زور در روابط بین دولت‌ها، حق دفاع مشروع بر مبنای عرفی و قراردادی به طور همزمان با یکدیگر، استقلال وجودی خود را حفظ نکرده است و قابلیت اعمال نسبت به همه دولت‌ها را دارد.

دفاع مشروع تحت قواعد حقوق بین الملل عرفی به گونه‌ای مؤثر در مکاتبات دیپلماتیک بین وزیر امور خارجه آمریکا، «وبستر<sup>1</sup>» و مقامات بریتانیا در خصوص واقعه کارولین 1837 ضابطه مند شده است. در خلال این مکاتبات، وبستر اظهار کرد که برای توجیه دفاع مشروع بریتانیا باید «ضرورت دفاع مشروع، فوریت، قطعیت، فقدان گزینه دیگر و نبود فرصت برای مذاکره را نشان دهد.» به علاوه، وبستر تأکید کرد که اقدامات صورت گرفته باید مستلزم چیزی غیرمنطقی یا بیش از حد باشد؛ زیرا این عمل که به دلیل ضرورت دفاع مشروع، انجام آن توجیه شده باید به میزان لازم محدود گردد و به طور شفاف در محدوده همین ضرورت انجام گیرد. این اظهارات به شیوه مؤثری دفاع مشروع را به عنوان عملی قانونی تحت مقررات عرف بین الملل تعریف می‌کند؛ با این شرط که دفاع در پاسخ به تهدیدی فوری و قریب الوقوع صورت گیرد که با توسل به اقدامات جایگزین نتوان از آن اجتناب کرد و بین خطر و به کارگیری زور نیز تناسب وجود داشته باشد. به عبارت دیگر، هر گونه استفاده از زور در راستای دفاع مشروع باید سه ضابطه



فوریت، ضرورت و تناسب را در خود داشته باشد. (Dixon1986:176)

با وجود این که دفاع مشروع بر اساس ماده 51 منشور و مقررات عرف بین الملل استقلال وجودی از هم دارند، شرط تناسب و ضرورت به طور یکسان در ماده 51 منشور نیز قابل اعمال است. به علاوه در قضیه نیکارگوئه، دیوان بر این عقید بود که «اعمال دفاع مشروع به موجب مقررات عرف بین الملل مشروط به این است که آن دولت قربانی حملات مسلحانه شده باشد.» (Tams1986:194) بنابراین برای این که حق دفاع مشروع به موجب ماده 51 منشور یا عرف بین الملل ایجاد شود شرایط حمله نظامی، ضرورت و تناسب باید رعایت شود.

#### 2-4. قابلیت اعمال دفاع مشروع علیه بازیگران غیردولتی

در حالی که ماده 2(4) منشور سازمان ملل تنها به ممنوعیت استفاده از زور به وسیله یکی از دولت های عضو علیه دولت دیگر اشاره دارد، ماده 51 تنها به دولت به عنوان اهداف بلاقوه حمله نظامی اشاره کرده است. این وضعیت شامل موضوع بحث های گسترده دیگری در خصوص این که آیا حق دفاع مشروع به موجب ماده 51 منشور تنها بر حملات نظامی صورت گرفته از سوی دولت ها قابل اعمال است یا این که این مقررات حملات نظامی توسط بازیگران غیردولتی که از قلمروی یک کشور بیگانه اقدام به عملیات علیه کشور دیگری می کند نیز شامل می شود.

این بحث از این جهت طرح شده است که گروه های شبه نظامی و به طور خاص داعش در قلمروی سوریه فعالیت دارند و در مواردی با استفاد از وضعیت موجود در این کشور اقدام به حملات تروریستی در خاک کشورهای دیگر می کنند. ایران یکی از قربانیان حملات تروریستی توسط گروه های شبه نظامی داعش در 17 خرداد 1396 به مجلس شورای اسلامی و مرقد امام خمینی (ره) است. حال پرسش این است که آیا ایران به استناد دفاع مشروع می تواند اقدام به



عملیات علیه مواضع داعش در خاک سوریه کند؟ برای تحلیل بحث ابتدا رویه دیوان بین‌المللی دادگستری در این مسئله بررسی خواهد شد و سپس شرایط اقدامات آمریکا در قضیه حملات 11 سپتامبر 2001 به‌عنوان راهنمایی برای تحلیل بحث مطرح می‌شود.

در مسئله نیکاراگوئه، دیوان دادگستری بر این عقیده بود که حملات مستقیم توسط بازیگران غیردولتی می‌تواند معادل «حمله نظامی» علیه اهداف دولتی به موجب مقررات مربوط محسوب شود. اکثریت قضات دیوان بر این عقیده بودند که تأمین سلاح، منابع مالی، تسهیلات آموزشی و ترغیب عمومی بازیگران غیردولتی به استفاده از نیروی نظامی علیه سایر دولت‌ها و استفاده غیرقانونی از زور علیه دولت قربانی توسط دولت حامی محسوب خواهد شد. دیوان در اظهار نظر خود، تعریف مجمع عمومی سازمان ملل متحد از تجاوز را به‌عنوان معیاری مناسب برای ارزیابی وجود حمله غیرمستقیم مورد توجه قرار داده است. دیوان عقیده داشت که «یک حمله مسلحانه» نه تنها شامل عملیات به‌وسیله نیروهای مسلح منظم در طول مرزهای بین‌المللی می‌شود، بلکه شامل اعزام دسته‌ها، گروه‌ها، نیروهای نامنظم یا مزدوران مسلح توسط یا از جانب یک دولت می‌شود که عملیات نظامی را علیه دولت دیگر با شدتی معادل حمله مسلحانه واقعی علیه دولت دیگر توسط نیروهای مسلح منظم سازماندهی می‌کند یا درگیر شدن قابل ملاحظه دولت در آن. از این‌رو، دولت‌ها در صورت اعزام بازیگران غیردولتی جهت انجام عملیات مسلحانه در قلمروی دولت‌های دیگر یا در صورتی که چنین دولتی کنترل مؤثری بر چنین عملیات نظامی داشته باشد، از قاعده منع استفاده از زور تجاوز کرده‌اند.

می‌توان نتیجه گرفت اگر چنین عملیاتی علیه یک دولت انجام شود، حق دفاع مشروع با توسل به زور برای آن کشور ایجاد می‌شود. با این وجود، این موضوع در رأی دیوان مورد توجه قرار نگرفته است که آیا فعالیت نظامی بازیگران

غیردولتی می‌تواند خود معادل حمله مسلحانه محسوب شود و توجیهی برای پاسخ‌گویی به دولت متهم در راستای دفاع مشروع باشد. (Van2010:183)

موضوع حمله مسلحانه توسط بازیگران غیردولتی در نظریه مشورتی دیوار فلسطین<sup>1</sup>، بار دیگر مورد بحث قرار گرفت و اسرائیل ادعا کرد که ساخت دیوار حائل با حق دفاع مشروع در برابر حملات تروریستی مطابقت دارد. (ICJ Rep2004) اکثریت قضات دیوان بر این عقیده بودند که این اقدام در مناطقی از سرزمین اشغالی فلسطین صورت گرفته و اسرائیل کنترل خود را بر آن اعمال می‌نماید. از این رو دفاع مشروع نمی‌تواند اقدامات اسرائیل را که با هدف جلوگیری از این حملات صورت گرفته است، توجیه نماید. (Ibid)

با این وجود، قاضی بوگرنال<sup>2</sup> با این استدلال موافق نبود که در ماده 51، این تصریح صورت نگرفته که «اعمال باید متکی به این دلیل باشد که حمله مسلحانه توسط دولت دیگری صورت گرفته است»؛ همچنین این موضوع که این حمله از سوی مرزهای سبز بوده و از این رو از سرزمین اصلی اسرائیل حمله‌ای صورت نگرفته است. در نتیجه از دیدگاه این قاضی، حمله علیه اسرائیل از خارج از مرزهای این کشور انجام شده و باید به اسرائیل حق دفاع مشروع در برابر چنین حملاتی داده شود؛ به شرط این که اقدام صورت گرفته با اعمال مشروع آن حق سازگار باشد. اظهار نظر مشابهی از سوی قاضی هیگینس نیز صورت گرفت که در آن، این امر پذیرفته شد که عملیات نظامی توسط بازیگران غیردولتی می‌تواند معادل حمله مسلحانه تلقی و حق دفاع مشروع در برابر این حملات ایجاد گردد. (Judge Buergenthal2004)

بعدها در مسئله جمهوری دموکراتیک کنگو، دیوان در رأی صادره خود اعلام کرد که حملات D که توسط گروه‌های شورشی انجام شده، حمله مسلحانه علیه قلمرو سرزمینی اوگاندا از خاک کنگو، قابلیت انتساب به دولت کنگو را نداشته است. در

1. the Palestinian Wall Advisory Opinion.  
2. Buergenthal.



نتیجه، واکنش مسلحانه اوگاندا به این حمله در قلمروی سرزمینی گنگو را نمی‌توان بر مبنای استثنای دفاع مشروع توجیه نمود. متعاقباً دیوان در رأی صادره خود اعلام کرد که واکنش نسبت به تنش‌های طرفین درگیر بر این مبنا صورت نمی‌گیرد که حقوق بین‌الملل معاصر برای دفاع مشروع در برابر حملات گسترده توسط نیروهای نظامی نامنظم چه شرایطی مقرر داشته است. با این وجود، در اظهار نظر جداگانه، قاضی کوی جمانس و سیمما به صراحت جواز دفاع مشروع علیه حملات مسلحانه توسط بازیگران غیردولتی را در حالی پذیرفت که این حملات، قابلیت انتساب به قلمروی سرزمینی دولتی را نداشته باشد، زیرا محرومیت دولت قربانی از حق دفاع مشروع تنها به این دلیل که دولت حمله‌کننده وجود نداشته یا منشور آن را مقرر نداشته، غیرمعقول است. (Journal of International Law 2009)

نظر اکثریت قضات دیوان بین‌المللی دادگستری در این خصوص این است که حق استفاده از زور در راستای دفاع مشروع علیه حملاتی که از سوی بازیگران غیردولتی صورت می‌گیرد، تنها در حالتی ایجاد می‌شود که حمله، قابلیت انتساب به دولتی را داشته باشد که گروه‌های شبه‌نظامی از قلمرو آن اقدام به انجام عملیات نظامی کرده‌اند. با این وجود به نظر می‌رسد دیوان بین‌المللی دادگستری نتوانسته رویه واحدی را در این خصوص ارائه کند که آیا حمله توسط بازیگران غیردولتی مستقل می‌تواند معادل آن حمله نظامی محسوب شود که حق دفاع مشروع را ایجاد می‌کند؟

در قضیه نیکاراگوئه و جمهوری دموکراتیک کنگو، مشروعیت استفاده از زور نه تنها علیه بازیگران غیردولتی بلکه در برابر دولتی که از قلمرو آن گروه شورشی عملیات مسلحانه انجام می‌دهد، پذیرفته شده است. در این دعوا، ایالات متحده آمریکا برای توجیه اقدامات نظامی خود علیه اهداف خود در خاک نیکاراگوئه ادعا کرد که اقدامات این کشور در کمک به السالوادور عمدتاً در جهت پاسخ‌گویی به حملات مسلحانه ادعایی صورت گرفته که توسط گروه‌هایی به‌طور فعال توسط



دولت نیکاراگوئه حمایت می‌شوند، انجام شده است. (Rep2007:147)

از سوی دیگر، در قضیه جمهوری دموکراتیک کنگو، دیوان تأکید کرد که اقدامات دفاعی اوگاندا علیه کنگو در شرایطی صورت گرفته که اقدام نظامی اوگاندا به‌طور گسترده علیه شهرها و روستاهایی بوده که از قلمرویی که از آن گروه‌های شورشی عملیات انجام داده‌اند، فاصله بسیاری دارد. از این رو از آنجایی که اقدامات دفاعی در هر دو مورد علیه دولت صورت گرفته است، دیوان برای ارزیابی مشروعیت عملیات نظامی، بر این موضوع تأکید داشت که آیا حملات گروه‌های شورشی می‌تواند قابلیت انتساب به این دولت‌ها را داشته باشد؟ زیرا اقدامات دفاعی ضرورتاً باید علیه متجاوز صورت گیرد. (Trapp2007:143) بنابراین در صورتی که اقدام دفاعی علیه این کشورها در واکنش به حملات مسلحانه‌ای صورت گیرد که توسط نهادهای غیردولتی انجام شده است، برای توجیه مشروعیت حملات باید قابلیت انتساب به آن دولت‌ها را داشته باشد. در واقع در قضیه نیکاراگوئه، نظریه مشورتی دیوار فلسطین و در موضوع جمهوری دموکراتیک کنگو، دیوان حملات از سوی بازیگران غیردولتی را معادل حمله مسلحانه تلقی نکرده تا در نتیجه آن، حق دفاع مشروع برای کشور قربانی ایجاد شود. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت دیوان بین‌المللی دادگستری تا کنون نتوانسته دستورالعملی را در خصوص وضعیتی ارائه کند که در آن، دولت قربانی استحقاق استفاده از زور را در راستای دفاع مشروع علیه بازیگران دولتی مستقل داشته باشد.

در سال‌های اخیر، رویکردهای آزادانه‌تری نسبت به حق دفاع مشروع مقرر در ماده 51 منشور اتخاذ شده است. رویه دولت‌ها حاکی از این است که تمایل به شناسایی حق دفاع مشروع در پاسخ به حملات مسلحانه که به‌وسیله بازیگران غیردولتی صورت گرفته، وجود دارد. در زمینه حملات بازیگران غیردولتی که برای ایجاد حق دفاع مشروع برای کشور قربانی صورت گرفته می‌توان به حملات یازده سپتامبر علیه ایالات متحده آمریکا اشاره کرد. این حملات از خاک افغانستان توسط

تروریست‌های القاعده سازماندهی شده بود؛ اما این گروه تحت کنترل دولت طالبان نبود. در پاسخ، ایالات متحده آمریکا اقدامات تلافی‌جویانه‌ای را در راستای دفاع مشروع از خود انجام داد. وجود چنین حقی توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد به رسمیت شناخته شد و فوراً و به اجماع دو قطعنامه به تصویب این شورا رسید و در این قطعنامه‌ها حق دفاع مشروع به رسمیت شناخته شد.<sup>1</sup> به‌علاوه ناتو حملات یازده سپتامبر را حمله مسلحانه‌ای تلقی کرد که بر این اساس، حق دفاع مشروع ایجاد می‌شود و برای نخستین بار به ماده 5 پیمان ناتو 1949 استناد نمود.<sup>2</sup> بنابراین واکنش قانونی از سوی سازمان‌های بین‌المللی را می‌توان تأییدی بر این موضوع تلقی کرد که حملات القاعده، بازیگر غیردولتی، شرایط یک حمله مسلحانه را که در ماده 51 منشور ذکر شده، در خود دارد.

بعد از عملیات نظامی آمریکا در افغانستان، چندین عملیات نظامی دیگر در پاسخ به حملات بازیگران غیردولتی انجام گرفت که در آنها دولت مداخله‌ای نداشت. یکی از این حملات، تهاجم اسرائیل به لبنان در سال 2006 بود که هدف از آن، خاتمه دادن به شلیک موشک از سوی حزب‌الله به خاک اسرائیل بود. اسرائیل عملیات نظامی خود را به شورای امنیت سازمان ملل متحد، به گونه‌ای که در ماده 51 منشور سازمان ملل متحد مقرر شده است، گزارش داد و این عملیات را بر مبنای حق دفاع مشروع توجیه نمود. همچنین به عدم کنترل دولت لبنان بر این بخش از خاک این کشور استناد نمود. با وجود این که برخی از دولت‌ها حق دفاع مشروع اسرائیل را به رسمیت شناختند، بسیاری از دولت‌ها این اقدام اسرائیل را محکوم کردند، زیرا بین عملیات نظامی اسرائیل و اقدامات حزب‌الله

1. قطعنامه 1368 (2001) و قطعنامه 1373 (2001) شورای امنیت سازمان ملل متحد. شورای امنیت با صدور این قطعنامه‌ها، حق ذاتی دفاع فردی و جمعی مطابق منشور سازمان ملل متحد را در برابر بازیگران غیردولتی به رسمیت شناخت.

2. ماده 5 پیمان ناتو مقرر داشته که حمله مسلحانه علیه یک یا چند دولت عضو این پیمان در اروپا و امریکای شمالی «معادل حمله به کلیه دولت عضو تلقی شد.»

تناسبی وجود ندارد.<sup>1</sup>

در فوریه 2008، دولت ترکیه عملیات نظامی گسترده‌ای را در خاک عراق ترتیب داد تا حملات حزب کارگران کردستان علیه این کشور در آنجا متوقف شود. ترکیه عملیات نظامی خود را به شورای امنیت گزارش داد؛ اما نخست‌وزیر ترکیه، رجب اردوغان اظهار داشت که این عملیات بر مبنای قانون دفاع مشروع، قابل توجیه است. (Croft2007)

بررسی این دو مثال از عملیات علیه بازیگران غیردولتی، متعاقب عملیات نظامی آمریکا در افغانستان علیه طالبان نشان می‌دهد که حق دفاع مشروع را می‌توان جهت شمول آن بر حملات بازیگران غیردولتی توسعه داد؛ زیرا این بازیگران مستقل از دولت قلمرو، اقدام به عملیات نظامی کرده‌اند و قواعد مربوط به دخالت دولت میزبان، قابلیت اعمال را ندارد. از این رو به نظر می‌رسد عملیات نظامی صورت گرفته علیه بازیگران غیردولتی در درون قلمروی دولت دیگر بر اساس استثنای دفاع مشروع تنها در صورتی مشروعیت دارد که عملیات در محدوده قلمرو فعالیت گروه-های غیردولتی صورت گرفته باشد. همچنین اقداماتی که علیه چنین حملاتی صورت می‌گیرد باید متناسب با اعمال حق دفاع مشروع باشد یا به عبارت دقیق‌تر انجام عملیات ضرورت داشته و به‌کارگیری زور نیز متناسب باشد.

### 3-4. مفهوم حمله نظامی

در مسئله نیکاراگوئه، دیوان بین‌المللی دادگستری بر «اندازه و تأثیرات» حمله نظامی و لزوم تمایز آن از درگیری‌های صرف مرزی تأکید کرد. (Merits1986)

دیوان بین‌المللی شدیدترین میان اشکال استفاده از زور (شکلی از زور که حمله مسلحانه تلقی می‌شود) و سایر اشکال با شدت کمتری تمایز قائل شد (Ibid) و این الزام به صراحت در مسئله سکوه‌های نفتی مورد تأکید قرار گرفت. این آرا

1. حق دفاع مشروع اسرائیل صریحاً توسط آرژانتین، پرو، دانمارک، یونان، اسلواکی و ایالات متحده؛ اجلاسیه 5480 شورای امنیت سازمان ملل متحد در 14 جولای 2006 به رسمیت شناخته شد.

نشان می‌دهد که همه اشکال فعالیت نظامی نمی‌تواند معادل حمله مسلحانه تلقی شود و برای ایجاد حق دفاع مشروع کفایت نماید. از این رو، وقایع جزئی پراکنده را نمی‌توان تهدیدی علیه امنیت یک دولت تلقی کرد و در نتیجه، شرایط یک حمله مسلحانه را که بتواند به حق دفاع مشروع در برابر آن استناد نمود، نخواهد داشت. (Zemanek2013)

به نظر می‌رسد الزامات مربوط به «اندازه و تأثیر» به‌طور ضمنی حاکی از این است که یک عملیات یا مجموعه‌ای از عملیات نظامی باید در مقیاس قابل توجه و شدت بالایی صورت گیرد و منجر به تخریب گسترده عناصر مهم دولت قربانی (مردم، اقتصادی و زیرساخت‌های امنیتی)، مقامات دولتی و ایجاد خسارت یا محرومیت دولت از قلمروی خود شود. (Ibid) علاوه بر الزام فوق، به‌کارگیری زور علیه بازیگران غیردولتی و دولتی مستلزم وجود دو شرط دیگر ضرورت و تناسب است.

#### 4-4. شرط ضرورت در حملات به‌وسیله بازیگران غیردولتی

الزام وجود حالت ضرورت به این معنی است که هر عملیاتی که در راستای دفاع مشروع انجام می‌گیرد باید آخرین راه چاره باشد و هیچ ابزار انتخابی دیگری وجود نداشته باشد. (Ibid) از این رو اگر با گزینه‌های احتمالی، جایگزین دیگری برای استفاده از زور در راستای خاتمه دادن یا انحراف حمله بازیگران غیردولتی وجود نداشته باشد، استفاده از زور در راستای دفاع مشروع الزام مربوط به ضرورت را برآورده می‌سازد. از این رو، کلیه ابزارهای صلح‌آمیز موجود برای دفع این حملات در مرحله نخست باید به‌کار گرفته شود.

برای رعایت اصل ضرورت در رابطه با بازیگران غیردولتی که در خاک دولت دیگری اقدام به عملیات می‌نمایند، ضرورت دارد که برخی ارتباطها بین دولت پناه‌دهنده و بازیگر غیردولتی وجود داشته باشد. رویه اخیر حاکی از این است که در جایی که دولت به بازیگر غیردولتی پناه داده و توانایی و تمایلی به سرکوب

فعالیت‌های بازیگران غیردولتی در قلمرو خود را ندارد، حق توسل به زور می‌تواند در راستای دفاع مشروع ایجاد شود. (Ibid)

#### 5-4. شرط تناسب

علاوه بر شرط ضرورت در اعمال دفاع مشروع، تناسب نیز باید رعایت شود. در واقع شرط تناسب به این معنی است که دفاع مشروع باید محدود به میزانی باشد که برای دستیابی به هدف یا به عبارت دیگر، برای دفاع از دولت قربانی و اجتناب از نتایج آینده ضرورت دارد. همچنین پیامدهای اقتصادی و فیزیکی استفاده از زور نباید بیش از خساراتی باشد که در نتیجه حمله ایجاد شده است. (Chatham2005) در واقع، برخلاف ضرورت، تناسب دامنه و شدت واکنش عملیات نظامی را که در راستای دفاع مشروع به کار گرفته می‌شود، محدود می‌نماید. (Devaney2012:101)

بنابراین شرط تناسب به این معنی است که میزان زوری که در راستای دفاع مشروع در برابر متجاوز به کار برده می‌شود، باید به آن میزان باشد که برای دفع متجاوز یا خاتمه دادن به حمله لازم باشد. در نتیجه در مواردی که اعمال زور علیه متجاوز آشکارا فراتر از میزانی باشد که برای دستیابی به اهداف مشروع فوق ضرورت دارد، این امر برخلاف اصل تناسب است.

استفاده از زور در راستای دفاع مشروع علیه بازیگران غیردولتی در جایی که علیه دولت میزبان به کار گرفته شود یا منجر به آسیب گسترده به جمعیت غیرنظامی شود، آشکارا برخلاف اصل تناسب است.<sup>1</sup>

#### نتیجه‌گیری

1. این وضعیت را می‌توان به وضوح در واکنش‌های بین‌المللی به حمله اسرائیل به لبنان دید که منجر به خسارات و رنج گسترده جمعیت غیرنظامی این کشور شد. همچنین اقدامات دفاعی اسرائیل در راستای دفاع مشروع منجر به تخریب گسترده پل‌ها، مخازن سوخت، نیروگاه‌های برق، تأسیسات زیربنایی غیرنظامی و ساختمان‌های مسکونی شد.



به‌کارگیری زور در حقوق بین‌الملل تنها در صورتی مشروعیت دارد که به استناد یکی از استثنائات پذیرفته شده اصل ممنوعیت استفاده از زور صورت گیرد. از این رو در این مقاله جهت توجیه مداخلات مستشاری ایران در جنگ داخلی سوریه و در یک مورد انجام حملات موشکی علیه گروه تروریستی داعش به دو استثنای قاعده منع توسل به زور یعنی دعوت دولت قانونی برای مداخله نظامی و دفاع مشروع فردی و جمعی استناد شده است.

با توجه به بحث‌هایی که در بالا صورت گرفت، مشخص شد دولت قانونی سوریه همچنان دولت اسد است. هر چند برخی از کشورها و سازمان‌ها مشروعیت این دولت را به چالش کشانیدند، اما با توجه به معیار کنترل مؤثر که تنها دولت اسد در وضعیت کنونی سوریه از آن برخوردار است، تردیدی در مشروعیت دولت اسد بر مبنای قوانین موجود بین‌المللی نیست؛ زیرا این دولت به‌طور مؤثر بر بخش‌های نمایندگی این کشور از جمله پایتخت کنترل دارد، کارکردهای یک دولت را انجام می‌دهد و هیچ نیروی مخالف دیگری که ادعای دولت بودن را داشته باشد، در قلمروی این کشور وجود ندارد. همچنین این دیدگاه به دلیل ادامه حضور دولت اسد به‌عنوان نماینده سوریه در سازمان ملل متحد و نیز به دلیل امضای کنوانسیون منع سلاح‌های شیمیایی سازمان ملل متحد تقویت می‌شود. از این رو به دلیل رضایت رسمی دولت اسد به حضور نیروهای ایرانی در قالب کمک مستشاری و حتی انجام عملیات نظامی موشکی بر قلمروی این کشور، مداخلات ایران را می‌توان تحت این استثنا به‌خوبی توجیه کرد.

در خصوص استناد به دفاع مشروع فردی و جمعی جهت توجیه حضور نظامی ایران در سوریه، با توجه به ابهام ماده 51 منشور و همچنین مقررات عرف بین‌الملل در زمینه توسل به دفاع مشروع در برابر بازیگران غیردولتی، تفسیر این وضعیت قدری پیچیده‌تر است. دیدگاه سستی که مورد پشتیبانی دیوان بین‌المللی دادگستری است، معیار انتساب است. بنابراین در صورتی که حملات بازیگران غیردولتی قابلیت

اتسباب به دولت را داشته باشند، حق دفاع مشروع هم در برابر این گروه‌ها و هم دولت حامی ایجاد می‌شود. در نظریه مشورتی دیوار حائل، دیوان بر مبنای این معیار حملات اسرائیل را دفاع مشروع تلقی ننمود.

رویه دولت‌های بعد از حملات یازده سپتامبر آمریکا حاکی از تمایل به مشروعیت اقدامات دفاعی در برابر بازیگران غیردولتی است. مشروعیت این رویه به فقدان توانایی یا تمایل دولت، محل استقرار جهت اعمال کنترل یا سرکوب فعالیت‌های بازیگران غیردولتی بستگی دارد که در این صورت به استناد ضرورت، دولت قربانی می‌تواند از خود دفاع مشروع نماید. این رویه هم در حملات اسرائیل و هم ترکیه که تنها از طرف جامعه جهانی به دلیل ماهیت عدم تناسب آن محکوم شد، دیده شد. از این رو به نظر می‌رسد جامعه جهانی اقدامات دفاعی در برابر بازیگران غیردولتی را تا جایی مشروع می‌داند که شرایط وقوع حمله نظامی، ضرورت و تناسب وجود داشته باشد.

مداخلات نظامی ایران در سوریه در کمک به دولت این کشور و همچنین حملات موشکی علیه مواضع داعش می‌تواند بر مبنای دفاع مشروع جمعی و فردی قابل توجیه باشد. این مسائل که دولت اسد توانایی کافی برای سرکوب گروه‌های افراطی ندارد و این گروه‌ها به‌ویژه داعش عملیات نظامی گسترده‌ای را علیه خاک کشور عراق انجام داده‌اند و حتی بخش گسترده‌ای از قلمرو این کشور را اشغال کرده‌اند و همچنین با توجه به عملیات تروریستی این گروه در ایران، حاکی از وجود حمله نظامی است که برای تحقق دفاع مشروع ضرورت دارد. با توجه به این‌که عملیات نظامی ایران بر مبنای ضرورت و همچنین تناسب صورت گرفته، مداخلات ایران دو شرط دیگر دفاع مشروع را داشته است. بنابراین حملات موشکی ایران که تنها مواضع تروریست‌های داعش را هدف قرار داده و آسیبی به غیرنظامیان و تأسیسات غیرنظامی وارد نکرده، کاملاً با موازین بین‌المللی سازگار است.

منابع و مأخذ

منابع فارسی



- ضیائی بیگدلی، محمدرضا و همکاران (1396)، آرا و نظریات مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، چاپ اول.
- اسماعیلی نسبت، حسین (1393)، مجموعه مهم‌ترین اسناد کاربردی حقوق بین‌الملل، نشر جنگل، چاپ اول.
- وروزی، حسین و احمد جوانشیری (1393)، شورای امنیت و تحول مداخلات بشردوستانه پس از جنگ سرد، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش 69.

### منابع لاتین

1. Dinstein, Y. (2005) *War, Aggression and Self-Defence* (4th Ed), Cambridge University Press, p. 207; Klabbers, J. (2013) *International Law*, Cambridge University Press.
2. Ago, R. (1979) 'Eighth Report on State Responsibility', UN Doc. A/CN.4/318 and Add. 1 to 4, *Yearbook of the International Law Commission*, Vol. II (1), para. 69.
3. Arimatsu, L., Schmitt, M. 'The Legal Basis for the War against ISIS Remains Contentious' (06/10/14), *The Guardian*, accessed 12/11/14 at <http://www.theguardian.com/commentisfree/2014/oct/06/legal-basis-war-isis-syria-islamic-state>.
4. BBC, 'Russia Warns US Against Strikes on Islamic State in Syria' (11/09/14), BBC News, accessed 28/10/14 through <http://www.bbc.co.uk/news/world-middle-east-29154481>.
5. Blay, S, Piotrowicz, R., Tsamenyi, M. (2005) *Public International Law: an Australian Perspective* (2nd Ed.), Oxford University Press, p. 232-233; Dixon, M. (2013) *Textbook on International Law* (7th Ed), Oxford University Press.
6. Chatham House, 'Principles of International Law on the Use of Force by States in Self-defence,' ILP WP 05/01, October 2005, Principle 5.
7. Chulov, M., Ackerman, S., Lewis, P. 'US Confirms 14 Air Strikes Against ISIS in Syria' (23/09/14), *The Guardian*, accessed 28/10/14 at <http://www.theguardian.com/world/2014/sep/23/us-launches-air-strikes-against-isis-targets-in-syria>.
8. Constantinou, A. (2000) *The Right of Self-Defence under Customary International Law and Article 51 of the UN Charter*, Athènes/Bruxelles, Ant N Sakkoulas, Bruylant.
9. Dixon, M. (2013) *Textbook on International Law* (7th Ed), Oxford University Press.
10. Dinstein, Y. (2005) *War, Aggression and Self-Defence* (4th Ed), Cambridge University Press.
11. Fox News, 'Damascus says Washington gave UN envoy advanced notice before airstrikes' (23/08/14) accessed 28/10/14 at <http://www.foxnews.com/world/2014/09/23/damascus-says-washington-gave-un-envoy-advance-notice-before-airstrikes/>.
12. Khayre, Ahmed A. M. (2014) Self-defence, intervention by invitation, or proxy war? The legality of the 2006 Ethiopian invasion in Somalia, *African Journal of International and Comparative Law*, 22(2), 208.
13. Klabbers, J. (2013) *International law*, Cambridge University Press.
14. Le Mon, C. 'Unilateral Intervention by Invitation in Civil Wars: The Effective Control

- Test Tested', 35 *Journal of International Law and Policy* (2002): 741-93, at 762.
15. Letter from the Permanent Representative of Israel, UN Doc. A/60/937-S/2006/515, accessed 28/11/14 at <http://unispal.un.org/UNISPAL.NSF/0E807FC933A355C94852571AA00517B18>.
  16. Lieblich, E. (2011) *Intervention and Consent: Consensual Forcible Interventions in Internal Armed Conflicts as International Agreements*, Boston University International Law Journal, Vol. 29, 377.
  17. Mitchell, A. 'Iraq Asks U.S. to Help Quell Militant Uprising' (12/06/14) NBC News, accessed 31/10/14 at <http://www.nbcnews.com/news/world/iraq-asks-u-s-help-quell-militant-uprising-n129097>; Letter from the Permanent Representative of Iraq to the United Nations addressed to the President of the Security Council, 22. September 2014, UN Doc. S/2014/691 accessed 07/12/14.
  18. Russia Arming Syria to Counter Terrorism". Sputnik. 30 September 2015. Retrieved 30 September 2015.
  19. Russia carries out first air strikes in Syria". Al Jazeera. 30 September 2015. Retrieved 1 October 2015.
  20. Russia Warns US Against Strikes on Islamic State in Syria' (11/09/14), BBC News, accessed 28/10/14 at <http://www.bbc.co.uk/news/world-middle-east-29154481>.
  21. Security Council's 5489th Meeting, 14th July 2006, UN Doc. S/PV.5489, accessed 02/12/14 at <http://unispal.un.org/UNISPAL.NSF/07C362A20DB4AF1D4852571AF0060F097>.
  22. Sherwood, Harriet, 'Attacking Isis in Iraq and Syria – the Guardian Briefing,' (16/09/14) The Guardian, accessed 28/10/14 at <http://www.theguardian.com/world/2014/sep/16-sp-world-briefing-us-attacking-isis>.
  23. Tams, C (2009) *The Use of Force Against Terrorists*, The European Journal of International Law, Vol.20, at 369.
  24. Tams, C., Devaney, J. (2012) *Applying Necessity and Proportionality to Anti-Terrorist Self-Defence*, Israel Law Review, Vol. 45 1).
  25. The British–American correspondence relating to the Caroline incident (Note from Mr Webster to Mr Fox, 24 April 1841) in 29 *BFSP* 1129, 1138 (1840–41); Dinstein, Y. (2005) *War, Aggression and Self-Defence* (4th Ed), Cambridge University Press, p. 249.
  26. The Guardian, 'Syria offers to help fight Isis but warns against unilateral air strikes,' (26/08/14) accessed 06/01/15 at <http://www.theguardian.com/world/2014/aug/26/syria-offers-to-help-fight-isis-but-warns-against-unilateral-air-strikes>.
  27. The Hindu, 'Syria officially joins UN Chemical Weapons Convention,' (14/10/13) accessed 07/01/15 at <http://www.thehindu.com/news/international/world/syria-officially-joins-un-chemical-weapons-convention/article5233423.ece>.
  28. Trapp, K. (2007) *Back to Basics: necessity, proportionality and the right of self-defence against non-State actors*, International & Comparative Law Quarterly, 56 1).
  29. UN Doc. S/PV.5489, accessed 02/12/14 at <http://unispal.un.org/UNISPAL.NSF/07C362A20DB4AF1D4852571AF0060F097>; Security Council's 5493rd Meeting, 21



July 2006, UN Doc. S/PV.5493, accessed 02/12/14 at <http://unispal.un.org/Unispal.Nsf/e872be638a09135185256ed100546ae4dc5176e809b7e73d85257f00068cdcb?OpenDocument>.

30. Van Steenberghe, R. (2010) Self-defence in Response to Attacks by Non-State Actors in the light of Recent State Practice: a Step Forward?, *Leiden Journal of International Law*, 183, p. 8.
31. Zemanek, K. 'Armed Attack' (October 2013) *Max Planck Encyclopedia of Public International Law*, para. 7, accessed 21/11/14 at <http://opil.ouplaw.com/view/10.1093/law:epil/9780199231690/law-9780199231690-e241>.

### نظریات مشورتی دیوان بین المللی دادگستری

1. Oil Platforms (Islamic Republic of Iran v. United States of America), (2003) I.C.J. Rep. 161
2. Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory, Advisory Opinion, 9 July 2004, [2004] ICJ Rep 131, para. 138.
3. Case Concerning Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Merits), (1986) ICJ Rep. 14. Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, Advisory Opinion, 8 July 1996, (1996) I.C.J. Rep.226.
4. Armed Activities on the Territory of Congo (Democratic Republic of the Congo v Uganda (2005) I.C.J. Rep.
5. Case Concerning Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Merits), (1986) I.C.J. Rep. 14, paras. 48, 126-128, 227-228 and 238.

### وبسایت

1. <http://www.reuters.com/article/2007/10/22/us-turkey-iraq-erdogan-idUSL2223032720071022>.
2. <http://www.reuters.com/article/2007/10/16/us-turkey-iraq-idUSL1354608620071016>.
3. [http://www.un.org/en/ga/search/view\\_doc.asp?symbol=S/2015/48](http://www.un.org/en/ga/search/view_doc.asp?symbol=S/2015/48).
4. [http://www.un.org/en/ga/search/view\\_doc.asp?symbol=S/RES/2170%20\(2014\)](http://www.un.org/en/ga/search/view_doc.asp?symbol=S/RES/2170%20(2014)).
5. [www.un.org/press/en/2014/sc11580.doc.htm](http://www.un.org/press/en/2014/sc11580.doc.htm).
6. [www.un.org/en/ga/search/view\\_doc.asp?symbol=S/RES/2199%20\(2015\)](http://www.un.org/en/ga/search/view_doc.asp?symbol=S/RES/2199%20(2015)).
7. <https://www.theguardian.com/world/shortcuts/2014/sep/27/islamic-state-isis-isil-daesh>.



